

سبک شناسی نثر

حسن ابراهیم زاد مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید
رجایی ارومیه

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می خورد. یک روح یا ویژگی
یا ویژگی های مشترک و متکرر در آثار کسی است.
محققان ادبی از سبک سه عنوان کلی ارائه نموده اند :

* نگرش خاص: سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است
که لزوما در شیوه خاصی از بیان تجلی می کند. به عبارتی هر دید ویژه یی در
زبان ویژه یی رخ می نماید. سبک نام گوینده را جار می زند. سبک
خودشخص است. سبک شیوه دیدن است. سبک صدای ذهن نویسنده است
* گزینش: سبک محصول گزینش خاصی از واژه ها و تعابیر و عبارات است.
* عدول از هنجار: سبک حاصل انحراف و خروج از هنجارهای عادی زبان
است. به عبارتی سبک شناسی مطالعه عناصر غیرمنطقی یا ماوراء منطقی در زبان
است.

➤ رومیان نخستین مردمانی بودند که درباره سبک و سخن سنجی اظهار نظر کرده اند. آنان سبک را برای تعیین مرتبه سخن به کار می بردند.

➤ دوره های نثر فارسی:

➤ نثر مرسل: یعنی نثر بی تکلف و غیر مقید به صنایع ادبی و فنون تزئینی کلام. نثر و سخن مستقیم و سراسر است و آزاد است، در حقیقت نثر مرسل صورت مکتوب زبان گفتاری است. نویسندگان این دوره هیچ الگویی در نثر فارسی دری نداشتند. به مسائلی چون تکرار واژه و عبارت، کوتاهی جمله، عدم التفات به سجع و موازنه توجه داشتند. در نثر مرسل اثر محض ادبی نداریم. به اعتبار اینکه نخستین نویسندگان در خراسان بودند و به لهجه مادری خود می نوشتند به نثر مرسل، نثر سبک خراسانی هم گفته می شود و به اعتبار اینکه بلعمی جزو اولین و شاخص ترین نویسندگان این سبک است، نثر بلعمی هم گفته شده و نثر دوره اول هم می توان گفت.

► نثرمرسل به لحاظ تاریخی دو دوره سامانیان و غزنویان را در بر می گیرد. آغاز دوره اول، نیمه اول قرن ۴ هجری است (سال ۳۴۶ که شاهنامه ابو منصورى نوشته شد) و پایان آن اواخر قرن ۵ بدین ترتیب این دوره تقریباً ۱۵۰ سال طول کشیده است.

► دوره سامانیان: توجه وافر به فرهنگ ایرانی مبذول می شود و نخستین آثار به زبان فارسی دری به وجود می آید. نمونه آثار این دوره:

► مقدمه شاهنامه ابو منصورى: به دست ابو منصور المعمرى وزیر ابو منصور عبدالرزاق در سال ۳۴۶ نوشته شده است. این کتاب منبع اصلی شاهنامه فردوسی است. اکنون فقط مقدمه آن باقی مانده است. به شیوه نثر پهلوی نزدیک است. در مقدمه به غیر از دو اسم عبدالرزاق و عبدالله هیچ لغت عربی نیامده است.

▶ ترجمه تاریخ طبری: ظاهر ا ابوعلی محمد بن ابوالفضل محمد بلعمی وزیر معروف عهد سامانی، آن را در سال ۳۵۲ هجری از اصل عربی آن موسوم به تاریخ الرسل و الملوک نوشته طبری به فارسی دری ترجمه کرد. اولین کتاب مفصل بازمانده زبان فارسی است.

▶ ترجمه تفسیر طبری: که ترجمه جامع البیان فی تفسیر القرآن (معروف به تفسیر کبیر) همان محمد بن جریر طبری است. ترجمه در حدود سال ۳۵۲ توسط گروهی از فقیهان خراسان و ماوراءالنهر آغاز شد.

▶ هدایه المتعلمین فی الطب: ابوبکر اخوینی برای پسرش نوشته است. به پزشک دیوانگان مشهور است چون در معالجه بیماران روانی تبحر داشت. شامل اصطلاحات و تعبیرات کهن فارسی است. در نیمه دوم قرن ۴ می زیست.

➤ حدودالعالم من المشرق الى المغرب: در جغرافیا که مولف آن مشخص نیست .
در سال ۳۷۲ نوشته شده است .

➤ تفسیر پاک :تفسیری از قرآن در اواخر قرن ۴ یا اوایل قرن ۵ نوشته شده است .

➤ الاینه عن حقایق الادویه: در داروشناسی است اثر ابو منصور موفق بن علی
هروی در اوایل قرن ۵ نوشته شده است .

➤ تفسیر کمبریج: تفسیری در قرآن متعلق به قرن ۴ هجری. چون نسخه آن در
کتابخانه دانشگاه کمبریج است به تفسیر کمبریج معروف شده است .

➤ در عصر سامانیان موارد زیر قابل توجه است:

➤ گرمی بازار فرهنگ و ادب / رواج افکار شعوبیه / توجه به تاریخ ایران / نوشتن
کتاب به زبان پهلوی / نثر ساده و مبتنی بر طبیعت گفتار / کم بودن لغات عربی /
جملات کوتاه و روشن / تکرار فعل به ویژه / توصیفات بیشتر مربوط به بیرون
است / نگاه ها آفاقی و عینی / خبری از نکات بدیعی و بیانی نیست .

▶ دوره غزنوی : به دلیل روی کار آمدن ترکان ، توجه به گسترش فرهنگ ایرانی و تدوین تاریخ پیش از اسلام از بین رفت . و به دلیل وابستگی غزنویان به دستگاه خلافت ، نفوذ لغات عربی در فارسی بیشتر شد. به طور کلی سبک دوره سامانی و غزنوی به یک منوال است .

▶ نمونه آثار این دوره:

▶ نورالعلوم: منسوب به ابوالحسن خرقانی صوفی قرن ۴ هجری.

▶ آثار فارسی بوعلی سینا: مانند رساله نبضیه ، دانشنامه علائی ، قراضه طبیعیات

▶ التفهیم لاوایل صناعتہ التنجیم: تنها کتاب فارسی ابوریحان بیرونی است. نشر آن کهن و در صد لغات عربی آن صدی پنج است .

▶ کشف المحجوب : ابویعقوب سگزی از متکلمان اسماعیلی اواخر قرن ۴ در حکمت و کلام اسماعیلی است .

- ▶ قصص الانبیا: اثر اسحق بن ابراهیم نیشابوری در سرگذشت پیغمبران .
- ▶ نامه های بونصرمشکان
- ▶ تاریخ سیستان از مولفی نامعلوم
- ▶ زین الاخبار: اثر گردیزی در تاریخ از آغاز خلقت تا پایان عهدسلطان مودودبن مسعودغزنوی .
- ▶ کشف المحجوب: اثر جلابی هجویری ،از قدیمی ترین کتب صوفیه است .نسبت به معاصران خود مولف در کتاب از مفردات و ترکیبات عربی بیشتری به کار برده است .به ویژه ترکیباتی که درمیان صوفیه رایج بود.
- ▶ آثارناصرخسرو مانند: جامع الحکمتین ،خوان الاخوان ،زادالمسافرین ،وجه دین و مهم تر ازهمه سفرنامه

- مختصات فکری دوره نثر مرسل :
- علاقه شدید به علم و تحقیق
- ستایش گوهر خرد
- آزاداندیشی و عدم تعصب
- مساوات و به دور بودن از افراط و تفریط
- علاقه به تأویل و رمز

مختصات ادبی نثر مرسل

- ▶ تکرار و کوتاهی جملات و به طور کلی ایجاز
- ▶ عدم استعمال مترادفات
- ▶ توصیفات کلی و کوتاه و مطوف به اموریرونی است بیشتر تا درونی و انفسی.
- ▶ سجع و جناس در سطح ابتدائی و اتفاقی
- ▶ تشبیهات به ضرورت و از نوع محسوس به محسوس
- ▶ توجه به حماسه و اسطوره (شاهنامه در شعر و تاریخنامه طبری در نثر)

نثر بینابین (از اواخر نیمه اول قرن 5 تا اوایل قرن 6)

► تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی که هم همان صلابت و فخامت و سادگی و استواری و پارسی مداری عهد سامانی و غزنوی را دارد و هم مختصات از نثر در حال نضج فنی در آن است. یعنی آمیختگی نظم و نثر دارد که در عهد قبل مرسوم نبود. شعرعربی و ضرب المثل های عربی آورده است. آیه و حدیث دارد.

مختصات نثر بینابین

➤ - دراز نویسی (اطناب)

➤ بر خلاف نثر دوره ی نخست که کاملاً خلاصه و با جمله های کوتاه بود، نثر ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی مفصل تر و دارای جمله های درازتر است. مترادفات لفظی نیز در آن بسیار کمیاب است و از لفظ ها و عبارات هایی استفاده شده است که در نثر قدیم نبوده است. این دراز نویسی از نوعی نیست که از آن ملالی برخیزد، بلکه یکی از محسنات آن در تاریخ بیهقی است که توانسته است جزییات مطالب را بنویسد و مقصود را به خوبی بیان کند

➤ توصیف

➤ در نثر دوره ی پیشین (دوره ی سامانی) مراد نویسندگان این بود که اصل مطالب را با نهایت کوتاهی بیان نماید و مرادش توصیف و تعریف یا به اصطلاح امروزی منظره سازی و بیان حال به شیوه ی شاعرانه نبوده است. ولی این سبک جدید می کوشد به وسیله ی آوردن الفاظ و اصطلاحات تازه که در زبان گفت و گوی آن روز به کار می رفته است و به کارگیری جمله های پی در پی مطلب را کاملن روشن سازد و بیان واقعه را به گونه ای بیاراید که خواننده را در برابر آن واقعه قرار دهد و همه ی اجزای آن را نشان ده

► - استشهاد و تمثيل

► در نثر قديم ذكر مطالب خارجي مانند استشهاد از نظم فارسي و عربي و استدلال به آيات و تمثيل بسيار نادر و كمياب است. چنان كه در تمام دوره ي تاريخ بلعمرى و ترجمه ي تفسير طبرى (از دوره ي سامانى) يك شعر به عنوان شاهد ذكر نشده است و از همين قبيل است حدودالعالم و الابنيه و تاريخ گرديزى و تاريخ سيستان كه شاهد شعري نياورده اند. ولى تاريخ بيهقى كه زمان آغاز نگارش آن سال ۴۴۸ يعني چهار سال پس از "تاريخ سيستان" است مي بينيم حكايات و تمثيل ها و شعرهايي بزرگي شاهد و مدعا و افزوني پند و عبرت آورده است و افتتاحي است در آوزردن امثال و ذكر شواهد شعري و تقليدي است از نثر فني عرب كه در سده ي چهارم در بغداد اختراع شد و پس از قرني به خراسان نيز سرايت كرد.

► - تقليد از نثر عربي

► در اين دوره هفت نوع تقليد از نثر عربي وارد زبان دري و ادبي شده است:

► الف (ورود لغات. مانند جمع هاي عربي از فيل قداما، شرايط، حدود، اتباع، كتب و از اين نوع به جاي قديميان، شرط ها، حدها، تابعان، كتاب ها و غيره و نيز مصدرهاي عربي مانند بخل، كرم، لجاجت و از اين نوع به جاي بخيلي، كريمي و لجوجي كه در قديم مي نوشتند.

► ب (تنوين دار كردن كلمه ها به طرز عربي كه در نثر قديم تر جايز نبوده است. مانند عزيزا، مكرما، حقا و مانند آن ها.

► پ (پيوستن و متمم قراردادن جمله هاي عربي به عبارت هاي فارسي

► ت (جمله بندي به شيوه ي عربي. مانند: «و تاريخ ها ديده ام كه پيش از من كرده اند پادشاهان گذشته را خدمتگاران ايشان كه اندر زيادت و نقصان كرده اند و بدان آرايش خواسته اند» (بيهقى).

► ث (آوردن فعل هاي ماضي و مضارع به صيغه ي مجهول (كه اين اثر هنوز هم در زبان و ادبيات افغانستان موجود است) مانند "در را بسته كرد" به جاي "در را بست" و استفاده از فعل معين "آمدن" مانند "وي را نيز گرفته آمد" به جاي "وي را نيز بگرفتند"

➤ ج) به کار گیری موازنه و سجع مانند: «فصلی خواندم از دنیای فریبده به یک دست شکر پاشنده و به دیگر دست زهر کشنده. گروهی را به محنت آزموده و گروهی را پیراهن نعمت پوشانده تا خردمندان را مقرر گردد که دل نهادن بر نعمت دنیا محال است» (تاریخ بیهقی، برگ ۴۶۵)

➤ چ) به کار گیری مفعول مطلق در مقام تاکید به تقلید از عربی. مانند: «بفرمود تا وی را بزدند ز دنی سخت» (بیهقی). فردوسی نیز می گوید: بخندید خندیدنی شاهوار / که بشنید آوازش از چاهسار

➤ حذف فعل ها به قرینه

➤ در نثر قدیم حذف فعل هرگز جایز نبوده است، هر چند یک فعل ده بار تکرار شود. ولی از این تاریخ حذف فعل ها به قرینه معمول شد. مانند «حیمه ی مسلمانی ملک است و ستون پادشاه و طناب و میخ ها رعیت» یا «کار عمارت اگر به دست عاجزی افتد، او بر خود درمانده و خلق بر وی» (بیهقی)

➤ یا فعل قرینه را در جمله ی آخر آورده اند. مانند «امیر خراسان سوی بخارا و امیر گوزکانان ابوالحارث و امیر عادل سبکتکین سوی نیشابور رفتند.»

➤ - حذف بخشی از جمله

➤ در بیهقی و در التفهیم برای خودداری از "تکرار" (که رسم قدیمیان بود) گاه بخشی را از جمله حذف می کنند. مثال: «بدین فوم که آن جا رفتند بس قوتی ظاهر نگشت چنان که خداوند را مقررست که اگر گشته بودی بنده را به تازگی فرستاده نیامدی» (برگ ۴۸۶) که در بخش آخر جمله به جای "که اگر قوتی ظاهر گشته بودی" تنها "گشته بودی" آورده است

➤ - نوآوری در کاربرد فعل ها

➤ الف) آوردن وجه اخباری به جای وجه التزامی. مانند: « باید که وی نیز هم برین رَوَد و میان دل را به ما می نماید و صواب و صلاح کارها می گوید» به جای بنماید و بگوید

➤ ب) آوردن فعل ماضی به جای مضارع. مانند: «و سبیل قتلغ تکین آن است که برین فرمان مار کند. اگر جانش به کار است و اگر محابایی کند جانش رفت» یعنی جانش می رود.

➤ پ) استفاده از فعل ماضی به صیغه ی وصفی. مانند: «قوم که با وی نامزد بودند جامه ی راه پوشیده پیش آمدند» (تاریخ بیهقی، برگ ۴۹۰) یا « صاحب دیوان حضرت غزنین بوده و مدتی دراز شاگردی وزیری چون احمد حسن کرده و به روزگار امیر محمد وزارت یافته و خلعت وزارت پوشیده و ... » (بیهقی، برگ ۴۸۴).

➤ ت) زیاد به کار گرفتن مصدر مرخم. مانند: «من فردا به شهر خواهم آمد و به باغ خرمک نزول کرد ...» به جای کردن.

➤ - جمع ها

➤ - جمع عربی به فارسی نیز جمع بسته می شود.

➤ - "شما" با "شمایان" جمع بسته می شود (که امروز در افغانستان نیز متداول است)

➤ - مطابقت صفت و موصوف در جمع که در پهلوی نیز معمول بوده است ولی از سده ی ششم از بین رفته است. مانند: "ساقیان ماهرویان"، "ایشان سوارانند"، "ناجوانمردان یارانم مرا فرو گذاشتند تا مجروح شدم" و غیره.

➤ - هنگامی که عدد از یک پیش تر است معدود را بر عدد مقدم می دارند و یک "یای نکره" نیز به معدود می افزایند. مانند: غلامی بیست، تنی چند و غیره.

- ▶ به کارگیری واژه های زیبا و اصطلاحات و ضرب المثل های فارسی
- ▶ در تاریخ بیهقی لغات زیبای فارسی و ضرب المثل های شیرین بسیار است و پیداست که این واژه ها و مثل ها در زبان گفت و گوی آن روزگار مرسوم و متداول بوده است. از آن جمله اند:
- ▶ - بالا دادن = اهمیت دادن، بزرگ کردن مطلب
- ▶ - فرا کردن = تحریک کردن
- ▶ - روز سوختن = وقت تلف کردن
- ▶ - فرا بریدن = مسکوت گذاشتن
- ▶ - روی داشتن = صواب داشتن
- ▶ - با جایی افتادن = کار به جایی موکول شدن
- ▶ - پایستن = صبر و تامل کردن
- ▶ - خرما به بصره بردن = زیره به کرمان بردن
- ▶ - کلاه دو شاخ = اجازه ی ویژه ای بوده است که به بلند مرتبگان می داده اند
- ▶ - دندان نمودن = مهارت به دشمن نشان دادن
- ▶ - زبون گیری = عاجز کشی
- ▶ - راه به دیه بردن = بی اساس نیست و راه به جایی می برد

➤ - به کارگیری کم واژه های عربی

➤ در تاریخ بیهقی و نوشته های ابونصر شمار واژه های عربی بر همان قاعده ی قدیم است و بیش تر از ده درصد نیست. یعنی لغاتی است که یا فارسی ندارد یا لغات درباری و دولتی است که با فرمان ها و حکم ها و کتاب های علمی وارد ایران شده و یا لغات دینی است و یا لغاتی است که عربی آن ها از فارسی روان تر و رسا تر بوده است. ولی در تاریخ بیهقی یک دسته لغات تازه موجود است که به جز این موارد و از لغاتی است که به وسیله ی ادیبان و نویسندگان به تقلید از عربی وارد زبان فارسی شده است. مانند:

➤ شغل، عهده، فساد، شرط، حدود، جانی، کتاب، لجاجت، قاعده، فضول، اعتماد، امر و نهی، کافی، اولیا، رغبت، وظیفه، عفو، عذر، علامت، عاقبت، نوبت، فصل، طاقت، عرضه، واقف، انتقام، سعادت، حبس، وقت، تدبیر، تلافی، اخبار، حاضر، منشور، خلوت، سطر، نعمت، رعیت، صدقه، متهم، خلل، واجب، مفرد، قصه، خجل، احتیاط، تماشا، مبارک، وکیل، رسم، معاینه، تسکین، وبال، شایع، ریاست، شهامت و غیره.

نثر موزون

- ▶ نثر موزون یا مسجع دو جلوه دارد: یکی نثر موزون مرسل در آثار خواجه عبدالله انصاری و دیگر نثر موزون فنی در مقامات حمیدی
- ▶ طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری
- ▶ مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری
- ▶ کشف الاسرار ابوالفضل میبدی در نیمه اول قرن ۶
- ▶ تفسیر نسفی: ترجمه ای از قرآن از امام ابو حفص نجم الدین عمر بن نسفی

➤ نثر فنی

➤ قرن ۶ دوره نثر فنی است آغازگر این سبک نصراله منشی است مترجم کلیله و دمنه. نثر فنی در یک کلام می خواهد تشبّه به شعر کند. نثری است شعروار که مخیّل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است. در واقع با شعر یک قدم بیشتر فاصله ندارد. این نثر از پایان قرن ۷ دچار تکلف بیشتری شد و تبدیل به نثر مصنوع گردید.

➤ برخی از مختصات نثر فنی:

➤ کثرت لغت عربی / استفاده از آیات و احادیث و ضرب المثل های عربی و اشعار عربی / در آمیختگی نظم و نثر / اطناب / سجع و موازنه / وفور صنایع بدیعی و بیانی / استعمال افعال در معنی مجازی / موسیقایی بودن کلام / بیشتر مخیّل بودن تا مخبر بودن / وصف طوری که خبر تحت الشعاع آن قرار می گیرد / آوردن مترادفات پی در پی

► کتب نثر فنی در عهد سلجوقی:

► کليلة و دمنه در طی تاریخ به سه دلیل همواره مورد توجه بوده است: یکی به لحاظ فکری که آن را کتاب کیاست و سیاست می دانستند. دوم به لحاظ تاریخ نثر فنی که نویسندگان بعدی به آن نظر داشته اند و سوم به لحاظ تلخیص و شرح و بازنویسی چنان که قانعی شاعر آن را در قرن ۷ منظوم کرد. و در قرن ۹ ملا حسین کاشفی آن را به سبک عهد خود بازنویسی کرد و به انوار سهیلی موسوم ساخت. در قرن ۱۰ شیخ ابوالفضل دکنی بازنویسی دیگری کرد و آن را عیار دانش نام نهاد. (مختصات کليلة و دمنه از کتاب خوانده شود.)

► عتبة الکتبه از منتجب الدین جوینی که مجموعه منشآت وی است.

► التوسل الی الترسل از بهاء الدین محمد بغدادی که درواقع مجموعه منشآت اوست

► منشآت خاقانی

► منشآت رشید و طواط ، وی نخستین کسی است که منشآت خود را جمع کرد.

► مقامه نویسی: از انواع نثر فنی است. برای اولین بار بدیع الزمان همدانی که ایرانی بود در قرن ۴ در ادبیات عرب بنا نهاد و سپس در قرن ۵ حریری که عرب بود به سبک وی نوشت و سرانجام حمیدی در قرن ۶ به فارسی مقامات حمیدی را نوشت. مقامات داستان های پی در پی است که قهرمان همه آن ها یکی است این قهرمان در هر داستانی به شکل تازه یی نمودار می شود و اعمال محیرالعقولی انجام می دهد یا به اصطلاح شیرین کاری می کند و در پایان داستان غیب می شود و کسی نمی فهمد که سرگذشت او به کجا انجامیده است تا آنکه دوباره در داستان دیگر به هیأت نوینی آشکار می شود. می توان مقامه نویسی را جداعلای داستان های پیکارسک دانست که در قرن ۱۶ در اسپانیا مرسوم شد.

► قهرمان مقامات حمیدی کسی است به نام ابوالفتح الاسکندری

► قهرمان مقامات حریری ابوزید سروجی است

▶ دوره ی سوم نثر فارسی

▶ دوره ی سوم دوره ی چیرگی سجع و قافیه و تکلف و تصنع و دوره ی فساد و تباهی نثر فارسی است و دبیران ایرانی در این دوره در کاربرد کلمه های عربی و لغت های غریب و فن های بیهوده و درازگویی و قافیه پردازی و فضل فروشی از خود اعراب نیز پیشی می جویند.

▶ در این دوره نیز مانند دوره ی پیشین نثر مسجع و مصنوع با نثر مرسل و ساده در کنار هم موجودند و کتاب های فصیح و بلیغ و زیبایی نیز که به ندرت سجع و قافیه را رعایت کرده اند، در سراسر این دوره نوشته شده و وجود داشته اند، اما همان گونه که گفته شد، چیرگی با نثر متکلفانه و مسجع است.

▶ این سبک از سده ی هشتم تا سیزدهم هجری در ایران، ترکستان، هند و عثمانی رایج بوده و نامه های درباری و واقعه نگاری و تاریخ های عمده، به این شیوه نوشته می شده است. نمونه های کامل این سبک تاریخ موسوم به ظفرنامه تالیف شرف الدین علی یزدی و تاریخ شاه عباس دوم تالیف میرزا طاهر وحید تبریزی و دره نادره و جهانگشای میرزا مهدی خان منشی نادر و گیتی گشای میرزا صادق نامی و حدایق الجنان عبدالرزاق دنبلی است

دوره ی چهارم نثر فارسی

این دوره زمان بازگشت ادبی است که در آن نثر دیرتر از نظم مورد اصلاح قرار می گیرد و سبک های گوناگونی در نثر پدید می آید. لغت های ساختگی فارسی پیدا شده و نوشتن نثر به فارسی ناب در هند و ایران معمول می گردد.

آغاز این دوره سده ی دوازدهم هجری و هنگام نیرومند شدن آن اواخر این سده است. در این دوره پیروی از گلستان سعدی توسط قائم مقام رواج یافت و تقلید از بیهقی و طبری و نثر دوره ی دوم آغاز گردید و سرانجام پس از آمیختگی شرقیان با مردم غرب و نشر جراید و روزنامه ها، سبک ساده نویسی و دورانداختن مترادف ها و موازنه ها و سجع های مکرر رواج یافت و در پایان سده ی دوازدهم به کلی تغییر کرد و امروز که سده ی چهاردهم هجری است، دیگر از نثر مصنوع اثری باقی نیست و سبک ویژه و شیوه ی تازه ای پدید آمده است که آینده ی خوبی را نوید می دهد.

معروف ترین نویسندگان این دوره ابوالفضل دکنی، شیخ محمد علی حزین، عبدالرزاق دکنی، نشاط، قائم مقام، سپهر، هدایت، ملکم خان، طالبوف، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، فرهاد میرزا اعتمادالدوله، اعتضادالسلطنه، میرزا علی محمد پرورش، عبدالوهاب قزوینی، فروغی و مجیرالدوله هستند.

سبک خراساني (ترکستاني ، ساماني) (آغاز شعر فارسي تا قرن ششم)

موضوع	توضیح
دوره‌ي ساماني	ایجاز و اختصار * تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معني * کوتاهی جملات * لغات فارسي کهنه * کمی لغات عربي * مطابقت عدد و معدود در جمع * افزایش جمع فارسي بر جمع عربي
دوره‌ي غزنوي و سلجوقي	اطناب * تمثیل و استشهداد به آیات و احادیث و اشعار عرب * تقلید از نثر عربي * حذف افعال به قرینه * استعمال لغات عربي
دوره‌ي ساماني	1- «ترجمه‌ي تفسیر طبري» - عده‌اي از علمای ماوراءالنهر و خراسان . (از روي کتاب «جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن» نوشته‌ي محمد جریر طبري) 2- «تاریخ بلعمي» - ابوالفضل بلعمي (ترجمه‌ي قسمت‌هایی از کتاب «تاریخ طبري» نوشته‌ي محمد جریر طبري) 3- «التفهيم» (التفهيم لاوائل صناعة التنجيم) - ابوریحان بیروني . 4- مقدمه‌ي «شاهنامه‌ي ابومنصوري» - نوشته‌ي گروهی از دانشمندان و مورخان ایرانی (به دستور ابومنصورمحمد بن عبدالرزاق ، حاکم طوس)
دوره‌ي غزنوي و سلجوقي	1- «تاریخ بیهقي» - ابوالفضل بیهقي . 2- «قابوس‌نامه» - عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار . 3- «سفرنامه» - ناصر خسرو قبادیانی . 4- «سیاست‌نامه» (سیرالملوک) - خواجه نظام‌الملک طوسي . 5- «کیمیای سعادت» - امام محمد غزالی . 6- «کشف‌المحجوب» - ابوالحسن علي بن عثمان جلابي هجویری غزنوي .

مختصات (ویژگی‌های سبکی)

نویسندگان معروف و آثار آنها

۱۲

سبك عراقي (از قرن ششم تا دهم)

موضوع		مختصات (ویژگی‌های سبکی)	نویسندگان معروف و آثار آنها
توضیح			
الف - نثر فنی	استفاده از صناعات لفظی و معنوی در نثر (چون موازنه ، سجع ، اقتباس ، مترادفات ، توصیف ، اطناب ، مراعات نظیر ، جمع و تفریق ، تمثیل ، تشبیه و...) * تغییر نحو زبان (چون حذف افعال به قرینه ، تکرار افعال و ...) * قبول لغات مهجور عربی * کاربرد اصطلاحات علمی و فنی * روی‌کرد به تکلف و تصنع * رواج نثر داستانی و تمثیلی و عرفانی * رواج مقامه نویسی ¹ .		
ب - نثر متکلف و مصنوع	پیچیدگی و ابهام بر اثر کثرت استعمال لغات عربی و ترکی و مغولی * آوردن مترادفات بی‌معنی و اطناب‌های کسالت‌آور * سجع‌های متوالی و بی‌روح * کاربرد فراوان اشعار سست در لابه‌لای متن * استفاده از ترکیبات دشوار .		
ج - نثر مسجع	سجع و ترصیع و رعایت آهنگ کلمات * اختصار و ایجاز * ترک لغات دشوار * حذف افعال به قرینه .		
الف - نثر فنی	1- «چهار مقاله» - نظامی عروضی . 2- «کلیله و دمنه» - نصرآ... منشی . 4- «مقامات حمیدی» - حمیدالدین بلخی . 5- «تاریخ یمینی» - عتبی .		
ب - نثر متکلف و مصنوع	1- «تاریخ جهان‌گشای جوینی» - عطاملک جوینی . 2- «نفثه المصنوع» - شهاب‌الدین محمد زیدری . 3- «تاریخ و صاف» - و صاف‌الحضره (شرف‌الدین عبدا... بن فضل... شیرازی) . 4- «مرزبان‌نامه» - سعدالدین وراوینی .		
ج - نثر مسجع	«گلستان» - سعدی		

سبک هندی (قرن یازدهم و دوازدهم)

نثر انواع نثر و آثار نویسندگان ساده « اسکندر نامه » * « رموز حمزه » * « طوطی نامه » از ضیاء بخشی .

فنی «مجمّل التّواریخ» از ابوالحسن گلستانه * «تاریخ عالم آرای عبّاسی» اسکندر بیگ ترکمان .

متکلف «درّهی نادری» ، « جهانگشای نادری » از میرزا مهدی خان منشی استرآبادی * « گیتی گشا » از صادق نامی .

سبک دوره ی بازگشت ۱ (تمام طول قرن سیزدهم)

نثر در نثر این دوره نیز بازگشتی به سبک طبری و بیهقی و سعدی دیده می شود . قائم مقام فراهانی به عنوان آغازگر نثر جدید فارسی به پیروی از سبک گلستان برمی خیزد . مشهورترین نویسندگان این دوره عبارتند از :

قائم مقام فراهانی : «منشآت» * عبدالطیف طسوجی * فرهاد میرزا معتمدالدوله * رضاقلی خان هدایت * میرزا تقی خان سپهر .

توضیحات :

۱- بازگشت : از این جهت به این دوره ، بازگشت لقب داده اند که در نیمه ی دوم قرن دوازدهم گروهی از شاعران از سیر قهقرایی سبک هندی خسته شده و به سبک های گذشته ی شعر فارسی یعنی سبک خراسانی و عراقی بازگشت نمودند . پیشگامان این نهضت عبارت بودند از : سیّد محمّدعلی مشتاق ، سیّد محمّدعلی شعله ، عاشق اصفهانی ، سروش اصفهانی ، هاتف اصفهانی و آذر بیگدلی .

ادبیّات دوره‌ی مشروطه (دوره‌ی انقلاب مشروطه)		
موضوع		توضیح
مختصات (ویژگی‌های سبکی)	الف - زبانی	استفاده از زبان مرسوم و آسانی و روانی نحو جملات . استفاده از لغات فرنگی و آزادی استفاده از همه‌ی واژه‌ها در شعر.
	ب - فکری	پیدایش این عقیده که شعر فقط به بیان مطالب خاصّی از قبیل عشق ، عرفان ، مدح و هجو منحصر نمی‌شود. * توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی و موضوعات روز. * توجه به تاریخ ایران باستان ، انتقاد از پیداد ، برانگیخته شدن شور تجدد و تجدید حیات فکری. * تنوع موضوعات.
	ج - ادبی	کم‌توجهی شاعران به صنایع ادبی نسبت به گذشته. * رواج قالب‌های جدیدی از انواع ترجیع‌بند ، مستزاد ، مسقط و چهارپاره با دخل و تصرف در قالب‌های سنتی. * انتقاد از ادبیّات گذشته و تاختن به مضامین ادبی دوره‌ی بازگشت. * تلاش در نوآوری و نوگرایی ، که اوج آن را در ظهور نیما و شعر نو می‌توان ملاحظه کرد.
شاعران و نویسندگان معروف دوره		فرّخی یزدی سید محمدعلی جمال‌زاده (پدر داستان نویسی جدید در ایران) : «یکی بود یکی نبود»، «دارالمجانین»، «سر و ته یک کرباس»، «تلخ شیرین»، «هفت کشور»، «شورآباد»، «راه آب نامه»، « قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار»، « قصه‌ی ما به سر رسید». سیدمحمدرضا میرزاده‌ی عشقی : «نوروزی‌نامه»، «رستاخیز»، «اح تیاج»، «ایده‌آل یا سه تابلوی مریم» و روزنامه‌ی « قرن بیستم».

ادبیات معاصر و ادبیات انقلاب اسلامی

زین العابدین مراغه‌ای : «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ» عبدالرحیم طالبوف : «مسالك المحسنين» ، «کتاب احمد» علي اکبر دهخدا : «لغت‌نامه‌ی دهخدا» ، «چرند و پرند» ، «روزنامه‌ی صور اسرافیل» ، «امثال و حکم» سيد محمدعلي جمالزاده : «يکي بود يکي نبود» ، «دارالمجانين» ، «سر و ته يك کرباس» ، «تلخ و شیرین» ، «هفت کشور» ، «شورآباد» ، «راه آب نامه» ، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار» ، «قصه‌ی ما به سر رسید» جلال آل احمد : 1- مقالات : «غرب‌زدگی» ، «هفت مقاله» ، «کارنامه‌ی سه ساله» ، «ارزیابی شتاب‌زده» ، «در خدمت و خیانت روشنفکران» 2- ترجمه‌ها : «قمارباز از داستایوسکی» ، «سوء تفاهم از آلبر کامو» ، «بازگشت از شوروی از آندره ژید» ، «کرگدن از اوژن یونسکو» 3- سفرنامه‌ها : «خسی در میقات» ، «اورازان» ، «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» ، «جزیره‌ی خارك ، در یتیم خلیج» 4- داستان‌ها : «پنج داستان» ، «مدیر مدرسه» ، «زن زیادی» ، «نون والقلم» ، «دید و بازدید» ، «سه تار» ، «از رنجی که می‌بریم» ، «سرگذشت کندوها»	نویسندگان معروف و آثار آنها	۱
---	--	----------

➤ نثر دوره معاصر

➤ در دوره مشروطیت بر اثر وفور روزنامه های مختلف نثر ساده شده بود. به تدریج دقیقتر و درست تر شد. لغات ویژه نثر معاصر عمدتاً یا مصوبات فرهنگستان هستند یا واژه هایی هستند که با تمدن جدید به ایران آمده اند. آشنایی با زبان های خارجی هم برخی از ساختارهای زبانی بیگانگان را وارد نثر فارسی کرد.

➤ داستان نویسی، مهم ترین مصداق نثر نویسی است داستان کوتاه با فارسی شکر است به قلم جمال زاده رایج شد. و معروف ترین داستان نویس ایران صادق هدایت است مه داستان بوف کور او از همه مشهورتر است.

➤ در دوره معاصر نثر تحقیقی یا دانشگاهی و مقاله نویسی رواج بیشتری دارد.